





نامه امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام

فاطمه شهیدی



نهج البلاغه مؤسسه پژوهشی و فرهنگی
تأليف و توثيق و انتشارات دانشگاه تهران

به فرزندان

ترجمه نامه ۳۱ نهج البلاغه امیرمؤمنان علی علیه السلام
(ضمیمه مجله زمزم)

مترجم: فاطمه شهیدی

ناشر: ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان

طراح جلد و صفحه آرا: مهدی فراهانی ثابت

شمارگان: ۲۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: سوم - بهار ۱۳۹۸

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

تهران . میدان انقلاب . خیابان کارگر شمالی . بن بست امین . پلاک ۴

www.labbayk.ir

فهرست مطالب

- سفرهای پدری که زندگی‌اش رو به پایان است ۱۲
- آن که به بیراهه نمی‌رود ۲۲
- همان که می‌آفریند، می‌میراند ۳۲
- پیش از فرود، جای فرودت را هموار کن ۴۰
- به جایی دیگر باید رسید ۵۰
- به سمت فرصت‌ها بشتاب! ۶۰
- دین و دنیایت را به خدا می‌سپارم ۶۸
- فهرست منابع ۷۴
- پرسش‌های مسابقه کتابخوانی کتاب به فرزندم ۷۵

مقدمه

نامه امام علی به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام از معروف ترین و مشهورترین نامه های حضرت است که بعد از نامه به مالک اشتر، از طولانی ترین نامه های امام است. این نامه را امام هنگام بازگشت از جنگ صفین، در سرزمینی به نام حاضِرین، (مکانی است بین حلب و قتسرین) نوشتند.

این نامه از این جهت بسیار جالب و ارزنده است که امام، امامی را موعظه می کند و حجّت خدا حجّت خدایی را نصیحت می کند و به او تذکراتی قیمتی می دهد. پس چقدر این مطالب، برای اصلاح ما در همه ابعاد و جوانب زندگی می تواند مؤثر باشد و نقش مهمی را ایفا کند. در واقع یک دروه کامل درس اخلاق و سیر و سلوک الی الله در این نامه به چشم می خورد.

نکته اول: اگرچه مخاطب نامه، یک نفر و آن شخص امام حسن مجتبی علیه السلام است ولی هدف حضرت از این مطالب، همه مسلمانان و شیعیان جهان می باشد. به دلیل این که همه، فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و امیر مؤمنان علیه السلام هستیم؛ زیرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: من و علی دو پدر این امت هستیم.

نکته دوم: سنّ مبارک امام علی علیه السلام در زمان نوشتن نامه ۶۰ سال و سنّ حضرت مجتبی علیه السلام در آن هنگام ۳۰ سال بوده است و شخص ۳۰ ساله هنوز جوان است و حضرت می فرماید: قلب جوان آماده پذیرش هر گونه تعلیمات می باشد.

نکته سوم: معمولاً هنگام نامه نگاری این طور می نویسند: این نامه از فلان شخص برای فلان شخص است و به جای کلمه فلان، اسم ذکر می کنند؛ مثلاً نامه ای است از علی بن ابیطالب به مالک اشتر. ولی خصوصیت این نامه این است که حضرت به جای این که اسم خود و اسم فرزندش را ذکر کند، نامه نویس را با ۶ صفت و مخاطب نامه یعنی فرزندش را با ۱۴ صفت یاد می کند.

و همان طور که ملاحظه خواهید کرد این اوصاف پدر و پسر آنچنان تکان دهنده و آموزنده است که خود بیان این اوصاف، یک دنیا درس اخلاق است که توجه هر انسان خواب و غافلی را به خود جلب می کند. نکته چهارم: آنچه در این کتاب آمده ترجمه قسمت اعظم نامه ۳۱ می باشد.

مهمترین مطالبی که در این نامه مطرح گردیده را می توان موارد زیر

برشمرد:

انسان و حوادث روزگار، مراحل خودسازی، اخلاق اجتماعی، شتاب در تربیت فرزند، روش تربیت فرزند، ضرورت توجه به معنویات، ضرورت آخرت گرایی، معیارهای روابط اجتماعی، تلاش در جمع آوری زاد و توشه، نشانه‌های رحمت الهی، شرایط اجابت دعا، ضرورت یاد مرگ، شناخت دنیا پرستان، ضرورت واقع نگری در زندگی (ارزش‌های گوناگون اخلاقی)، حقوق دوستان، ارزشهای اخلاقی و جایگاه زن.

ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان به منظور آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با معارف ناب علوی تصمیم گرفت ترجمه این نامه را در اختیار دانشجویان قرار دهد. بدین منظور یکی از بهترین ترجمه‌های این نامه که به وسیله خانم فاطمه شهیدی انجام گرفته انتخاب، و به شکل نفیس چاپ گردید. ضمن تشکر از مترجم محترم و آرزوی توفیق روز افزون برای ایشان، امیدواریم این کتاب، نقطه عطفی برای آشنایی هرچه بیشتر با افکار و اندیشه‌های امیرمؤمنان علیه السلام باشد.

ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان



سفارش‌های

پدری که

زندگی‌اش

رو به پایان است

سفارش‌های پدری که زندگی‌اش رو به پایان است

- ۱ این سفارش‌های پدری است که می‌رود؛
- ۲ پدری که می‌داند لحظه‌ها می‌گذرند؛
- ۳ می‌داند زندگی‌اش رو به پایان است؛
- ۴ پدری تسلیم نظام روزگار، از دنیا بیزار؛
- ۵ ساکن خانه‌های گذشتگان که می‌داند نوبت اوست که خانه‌ها را بگذارد و برود.
- ۶ این سفارش‌های پدری است به فرزندش. فرزندان، آرزوهای درازی دارند که به آنها نمی‌رسند؛
- ۷ درراهی می‌روند که به نابودی می‌رسد.
- ۸ فرزندان انسان، نشانه‌گاه تیردردها،
- ۹ اسیران روزگار،
- ۱۰ تیررس رنج‌ها،
- ۱۱ بندگان دنیا،



معامله‌گران هیچ و پوچ	۱۲
وبرنده‌های رقابت فنا و زوال اند.	۱۳
فرزندان انسان، دربند مرگ،	۱۴
ناگزیر از رنج،	۱۵
همدم اندوه،	۱۶
آماج بلا،	۱۷
شکست خورده شهوت	۱۸
و جانشین مردگان اند.	۱۹

فرزندم!

این روزها که می بینم دنیا پشت کرده، روزگار سرکش از من می‌گریزد	۲۰
و آخرت، نزدیک می‌شود.	۲۱
از فکر و ذکر دیگران، رها شده‌ام.	۲۲
به بیرون از خود، اعتنایی ندارم.	۲۳
نگاهم از مردم، به درونم برگشته، به خود می‌اندیشم.	۲۴
نزدیک شدن مرگ، از فکرها و خواهش‌ها هم مرا منصرف کرده،	۲۵
و حقیقت وجودم را عریان، پیش چشم نهاده،	۲۶
مرا مشغول اموری جدی کرده که شوخی بر نمی‌دارند	۲۷
و به حقایقی کشانده که عین واقعیت اند.	۲۸

- ۲۹ (این روزها از فکر دیگران بیرون آمده‌ام؛ ولی به توفکر می‌کنم)
- چون تو پاره وجود منی،
- ۳۰ نه، بالاتر از این، تو، خود منی!
- ۳۱ رنجی به تو برسد، به من رسیده؛
- ۳۲ مرگ اگر سراغت بیاید، سراغ من آمده؛
- ۳۳ حال و احوال تو، حال و احوال من است
- ۳۴ به همین خاطر، این نامه را می‌نویسم.
- ۳۵ می‌نویسم تا پشت و پناه تو باشد؛ چه من زنده بمانم، چه نمانم.

فرزندم!

- ۳۶ سفارشت می‌کنم از خدا پروا کن و پیوسته به فرمان او باش
- ۳۷ و با پیایی به خاطر آوردنش، دلت را آباد کن
- ۳۸ به ریسمان او بیاویز.
- ۳۹ کدام رشته، محکم تر از رشته بین تو و خداست؟
- اگر، اگر آن را بگیری! -
- ۴۰ دلت را زنده نگه دار؛ با یادآوری،
- ۴۱ هوایش را بمیران؛ با پارسایی،
- ۴۲ توانایش کن؛ با باور،
- ۴۳ روشنایی اش ده؛ با اندیشه،



- ۴۴ حقیرش کن؛ با فکر مرگ،
- ۴۵ وادارش کن اقرار کند دنیا رفتنی است؛
- ۴۶ وادارش کن با چشم باز، ناگواری های دنیا را ببیند؛
- ۴۷ وادارش کن واهمه کند از هیبت روزگار؛ از تغییر حال و احوال؛ از روزها و شب های تلخی که شاید در راه باشند.
- ۴۸ داستان رفتگان را برایش بگو!
- ۴۹ بگویر سر آنها که پیش از او بودند، چه آمده!
- ۵۰ دیار و یادگار رفتگان را نشان او بده!
- ۵۱ «بین چه ها کردند؟»
- ۵۲ از کجا کوچ کردند؟ بعد کجا فرود آمدند و ماندنی شدند؟
- ۵۳ از کنار رفیقان، به دیار ناآشنایی رفتند
- ۵۴ و همین امروز و فرداست که توهم از آنها شوی»

فرزندم!

- ۵۵ آخر راه را آباد کن.
- ۵۶ آن دنیا را با این دنیا عوض نکن
- ۵۷ دربارہ آن چه نمی دانی، گفتگو نکن
- و آن جا که لازم نیست حرفی بزنی، نزن
- ۵۸ اگر می ترسی در راهی گم شوی، همان اول راه، پا، پَس بکش؛

- ۵۹ چون، در آستانه سرگردانی، بازایستادن و تأمل، بهتر است از این که بگذاری حوادث هولناک، تورا بر پشت خود بنشانند و هر جا ببرند.
- ۶۰ به خوبی‌ها بخوان و اهل خوبی باش!
- ۶۱ بادست و زیان، بدی را بران!
- ۶۲ تمام سعی‌ات را بکن تا از اهل بدی، دور بمانی!
- ۶۳ آن طور که شاید و باید، در راه خدا جهاد کن و نگذار تا ملامت هیچ ملامت‌گری، تورا نگه دارد.
- ۶۴ در جست‌وجوی حقیقت، هر جا که هست، در اعماق سختی‌ها و در انبوه حوادث، غوطه‌ور شو.
- ۶۵ و بی‌فهم حقیقت دین باش!
- ۶۶ **خودت را عادت بده به صبوری و تحمل ناگواری‌ها!**
- ۶۷ **چه اخلاق خوبی است این صبوری و این شکیبایی در مسیر حق!**
- ۶۸ در همه احوال، وجودت را به خدایت بسپار!
- ۶۹ پیش او باشی، پناهت امن است و نگهبانت قوی.
- ۷۰ هر چه می‌خواهی، تنها از او بخواه
- ۷۱ که دادن و ندادن، دست اوست.
- ۷۲ مدام از او تقدیرهای خوب بخواه!
- ۷۳ فرزندم، به این سفارش‌ها دقت کن و به این نامه، پشت نکن.

پی نوشت:

مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ (۱) الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ (۲) الْمُدِيرِ الْعُمَرِ (۳) الْمُسْتَسْلِمِ لِلدُّنْيَا (۴)
السَّاكِنِ مَسَاكِنِ الْمَوْتَى وَ الطَّاعِنِ عَنْهَا غَدَاً (۵) إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا
يُذْرِكُ (۶) السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ (۷) غَرَضِ الْأَسْقَامِ (۸) وَ رَهِينَةَ
الْأَيَّامِ (۹) وَ رَمِيَةِ الْمَصَائِبِ (۱۰) وَ عَبْدِ الدُّنْيَا (۱۱) وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ (۱۲)
وَ غَرِيمِ الْمَنَايَا (۱۳) وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ (۱۴) وَ حَلِيفِ الْهُمُومِ (۱۵) وَ قَرِينِ
الْأَحْزَانِ (۱۶) وَ نُصْبِ الْأَفَاتِ (۱۷) وَ صَرِيحِ الشَّهَوَاتِ (۱۸) وَ حَلِيفَةِ
الْأَمْوَاتِ (۱۹). أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ فِيهَا تَبَيَّنَتْ مِنْ إِدْبَارِ الدُّنْيَا عَنِّي وَ جُمُوحِ الدَّهْرِ
عَلَى (۲۰) وَ إِقْبَالِ الْآخِرَةِ إِلَى (۲۱) مَا يَزَعُنِي عَنْ ذِكْرِ مَنْ سِوَايَ (۲۲)
وَ الْإِهْتِمَامِ بِمَا وَرَائِي (۲۳) غَيْرَ أَنِّي حَيْثُ تَفَرَّدَ بِي دُونَ هُمُومِ النَّاسِ هَمُّ
نَفْسِي (۲۴) فَصَدَفَنِي رَأْيِي وَ صَرَفَنِي عَنْ هَوَايَ (۲۵) وَ صَرَخَ لِي مَحْضُ
أَمْرِي (۲۶) فَأَفْضَى بِي إِلَى جِدِّ لَا يَكُونُ فِيهِ لَعِبٌ (۲۷) وَ صَدِيقٌ لَا يَشْوِيهِ
كَذِبٌ (۲۸) وَ وَجَدْتُكَ بَعْضِي (۲۹) بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي (۳۰) حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً
لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَتِي (۳۱) وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي (۳۲) فَعَنَانِي مِنْ
أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي (۳۳) فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي (۳۴) مُسْتَظْهِراً

بِهِ إِنَّ أَنَا بَيِّتُ لَكَ أَوْ فَيِتُّ (٣٥). فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَيِّ وَ
 لُزُومِ أَمْرِهِ (٣٦) وَ عِمَارَةَ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ (٣٧) وَ الْإِعْتِصَامَ بِحَبْلِهِ (٣٨) وَ
 أَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنَّ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ (٣٩) أَحْيَى
 قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ (٤٠) وَ أُمَّتَهُ بِالرَّهَادَةِ (٤١) وَ قُوَّةَ بِالْيَقِينِ (٤٢) وَ نَوْرَهُ
 بِالْحِكْمَةِ (٤٣) وَ ذَلَّلَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ (٤٤) وَ قَرَّرَهُ بِالْفَنَاءِ (٤٥) وَ بَصَّرَهُ فَجَائِعَ
 الدُّنْيَا (٤٦) وَ حَذَّرَهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ وَ فُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَ الْآيَامِ (٤٧) وَ
 اعْرِضَ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ (٤٨) وَ ذَكَرَهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ (٤٩) وَ سَرَّ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ (٥٠) فَانظُرْ فِيهَا فَعَلُوا (٥١) وَ
 عَمَّا انْتَقَلُوا وَ آيِنَ حَلُّوا وَ نَزَلُوا (٥٢) فَإِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدِ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحْيَةِ
 وَ حَلُّوا دِيَارَ الْعُرْبَةِ (٥٣) وَ كَانَتْكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدِ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ (٥٤).
 فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ (٥٥) وَ لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ (٥٦) وَ دَعِ الْقَوْلَ فِيهَا
 لَا تَعْرِفْ وَ الْخُطَابَ فِيهَا لَمْ تُكَلِّفْ (٥٧) وَ أَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خِفْتَ
 ضَلَالَتَهُ (٥٨) فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ
 (٥٩) وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ (٦٠) وَ أَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ
 (٦١) وَ بَايِنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ (٦٢) وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا
 تَأْخُذَكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأِيْمٍ (٦٣) وَ خُضِ الْعَمَرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ (٦٤)
 وَ تَفَقَّهْ فِي الدِّينِ (٦٥) وَ عَوِّذْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ (٦٦) وَ نِعْمَ
 الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ (٦٧) وَ أَلْجِئْ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِهْكَ
 (٦٨) فَإِنَّكَ تَلْجِئُهَا إِلَى كَهْفِ حَرِيْرٍ وَ مَانِعِ عَزِيْرٍ (٦٩) وَ أَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ

لِرَبِّكَ (٧٠) فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَالْحُرْمَانَ (٧١) وَأَكْثِرَ الْإِسْتِخَارَةَ (٧٢) وَ
تَفَهُمَ وَصِيَّتِي وَلَا تَذْهَبَنَّ عَنْكَ صَفْحاً (٧٣) ...





آن که

به بیراهه

نمی رود

آن که به بیراهه نمی‌رود

فرزندم!

- ۱ سن و سال من، بالا رفته و ناتوانی مرا فرامی‌گیرد؛
- ۲ گفتم پیش از این که اجلم شتابان از راه رسد، این سفارش‌ها را بنویسم و این اوصاف را برای تو ثبت کنم؛
- ۳ نکند دیگر نتوانم آن چه در درون دارم، به تو برسانم؛
- ۴ نکند جسمم که ناتوان می‌شود، اندیشه و فکرم هم نقص پیدا کند؛
- ۵ نکند بعضی وسوسه‌های درون و برون، زودتر از من، به قلب تو برسند و دلت را سخت و رمیده کنند.
- ۶ بی‌تردید، دل جوان، زمین خالی از کشت و کاری است که هر بذری در آن بپاشند، می‌پذیرد و می‌رویانند؛
- ۷ به همین خاطر، پیش از این که دلت سخت شود و فکرت مشغول هزار جا گردد، تربیت تو را شروع کردم؛
- ۸ تا با اندیشه و اراده‌ای مصمم، سراغ حقایقی بیایی که اهل تجربه، پیش



از تو، زحمت گشتن و یافتن آنها را کشیده اند؛ حقایقی که لازم نیست برای جستجوی آنها رنجی ببری و دوباره تجربه شان کنی.

۹ با دریافت این حقایق، به همان آثاری می رسی که ما رسیدیم، یا شاید نکاتی که برای ما نامعلوم و تاریک بود، برایت روشن شود.

فرزندم!

- ۱۰ من به اندازه همه پیشینیان عمر نکرده ام؛
- ۱۱ اما به آن چه کردند، دقت کردم.
- ۱۲ به حکایت هایی که از روز و روزگارشان مانده، فکر کردم.
- ۱۳ در نشانه ها و یادگارهایشان گشتم
- ۱۴ شدم مثل یکی از آنها
- ۱۵ حتی بالاتر. من از سرگذشت همه آنها خیرداشتم؛ گویی با همه آنها، از اولین تا آخرین نفر، زندگی کرده ام.
- ۱۶ زلالی و تیرگی، سود و زیان امور را فهمیدم.
- ۱۷ بعد، از هر چیزی، برای تو، زلال و زیبایش را انتخاب کردم و مبهم و شبهه ناکش را کنار زدم.
- ۱۸ مثل هر پدر دل سوزی، نگران تو بودم.
- ۱۹ تصمیم گرفتم (بر اساس این تجربه ها) تربیت تو را آغاز کنم؛ درست همین حالا، که تو در اوج زندگی هستی و در آستانه رویارویی با جهان؛

- ۲۰ همین حالا که نیتت سالم است و درونت صاف و پاک.
- ۲۱ تصمیم گرفتم تربیتت را با کتاب خدا و تفسیرش شروع کنم؛ با احکام اسلام و حلال و حرام‌ها. خواستم چیزی غیراینها نگویم.
- ۲۲ بعد ترسیدم مکتب‌ها و شبهاتی که برای مردم، به خاطر هواهای نفسانی و اندیشه‌های باطلشان پیش آمده، حقیقت را از چشم توهم مثل همان مردم، بپوشاند؛
- ۲۳ پس برخلاف میل قلبی‌ام، تورا از اندیشه‌های دیگرهم آگاه می‌کنم؛ چون به یقین رسیدنت را بیش از این دوست دارم که تسلیم امری شوی که در آن، از مهلکه‌ها و شبهه‌ها در امان نیستی.
- ۲۴ به این امیدم که در مسیر این تجربه‌ها، خدا، تورا به رشد برساند.
- ۲۵ و تا مسیر معتدل و راست، راه ببرد.
- ۲۶ اینک، این سفارش‌های من؛ از تومی خواهم به آنها عمل کنی:

فرزندم!

- ۲۷ بدان! خوشایندترین چیزی که دلم می‌خواهد از وصیت من بگیری، پروای خداست؛
- ۲۸ اکتفا به هر چه مقرر اوست و راه افتادنت در همان مسیری که پدران و نیکویان خاندانت طی کردند؛
- ۲۹ چون آنها مدام دل و روحشان را می‌پائیدند؛ همان جور که تومی پائی.



- ۳۰ به خود فکر می‌کردند؛ چون تو که اهل فکر و مراقبه‌ای.
- ۳۱ سرانجام، این مراقبه‌ها آنها را رساند به این که، باید به حقایقی که می‌شناسند، عمل کنند
- ۳۲ و هرچه تکلیفشان نیست، واگذارند.
- ۳۳ اگر قلب تو، این دستاورد نیاکانت را نمی‌پذیرد، اگر می‌خواهد خودش حقیقت را بداند، همان‌طور که آنها دانستند، پس مراقب باش. خواستن و جست‌وجویت، برای دانستن و فهمیدن باشد؛
- ۳۴ نه غوطه در شبهه‌ها و تشدید جدل‌ها.
- ۳۵ قبل از آغاز جست‌وجو، از خدا کمک بخواه،
- ۳۶ به او با شوق، رو کن تا توفیقت دهد.
- ۳۷ هرچه تو را به شبهه و دودلی می‌اندازد، کنار بگذار!
- ۳۸ دلت که یک‌رنگ شد و سرفرود آورد،
- ۳۹ رأی و نظرت که از پیریشانی درآمد و کامل شد،
- ۴۰ آن‌گاه، به حقایق این وصیت، دقت کن.
- ۴۱ اگر دلت یک‌رنگ نشد،
- ۴۲ و فکر و خیالت، آرام و آسوده نشد،
- ۴۳ پس بدان! چون شتری شب‌کور به بیراهه می‌روی،
- ۴۴ و در تاریکی‌ها، غوطه‌ور می‌شوی.

۴۵ آن که در جست‌وجوی دین است، به بیراهه‌ها نمی‌رود و تاریکی و

روشنی را به هم نمی‌آمیزد.

۴۶ در این آمیختگی‌ها، ایستادن، بهتر از رفتن است.



پی نوشت:

أَيُّ بَنِي إِيْنِي لَمَّا رَأَيْتِنِي قَدْ بَلَغْتَ سِنًا وَ رَأَيْتِنِي أَزْدَادًا وَهِنًا (١) بَادَرْتُ
بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ وَ أَوْرَدْتُ حِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يَعْجَلَ بِي أَجْلِي (٢) دُونَ
أَنْ أَفْضِيَ إِلَيْكَ بِهَا فِي نَفْسِي (٣) أَوْ أَنْ أَنْقَصَ فِي رَأْيِي كَمَا تُقْصِتُ فِي
جِسْمِي (٤) أَوْ يَسْبِقُنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهُوَى وَ فِتَنِ الدُّنْيَا فَتَكُونَ
كَالصَّعْبِ النَّفُورِ (٥) وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا
مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ (٦) فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعِغِلَّ لُبُّكَ
(٧) لَيْسَتْ قَبْلَ بِي بِيَدٍ رَأَيْتُكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيَتُهُ وَ
تَجْرِبَتُهُ فَتَكُونَ قَدْ كَفَيْتَ مَثُونَةَ الطَّلَبِ وَ عَوْفِيَّتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ (٨)
فَأَتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ مَا رَبَّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ (٩).
أَيُّ بَنِي إِيْنِي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي (١٠) فَقَدْ نَظَرْتُ فِي
أَعْمَالِهِمْ (١١) وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ (١٢) وَ سِرْتُ فِي آثَارِهِمْ (١٣) حَتَّى
عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ (١٤) بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ
أَوْلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ (١٥) فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ
(١٦) فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ

عَنْكَ مَجْهُولَةٌ (١٧) وَرَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ
(١٨) وَاجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمْرِ وَ
مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ (١٩) ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ (٢٠) وَ أَنْ أَبْتَدِيكَ بِتَعْلِيمِ
كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ
حَرَامِهِ لِأَجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ (٢١) ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبَسَ عَلَيْكَ مَا
اِخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَ آرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي التَّبَسَّ عَلَيْهِمْ (٢٢)
فَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَى مَا كَرِهْتُ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ
إِلَى أَمْرٍ لَا أَمْنٌ عَلَيْكَ بِهِ الْهَلَكَةُ (٢٣) وَ رَجَوْتُ أَنْ يُوفِّقَكَ اللَّهُ فِيهِ
لِرُشْدِكَ (٢٤) وَ أَنْ يَهْدِيكَ لِقَصْدِكَ (٢٥) فَعَهَدْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَذِهِ
وَ أَعْلَمُ (٢٦). يَا بَنِيَّ أَنْ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ
(٢٧) وَ الْإِقْتِصَارُ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ الْأَخْذُ بِهَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوْلُونَ
مِنْ آبَائِكَ وَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ (٢٨) فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدْعُوا أَنْ نَظُرُوا
لِأَنْفُسِهِمْ كَمَا أَنْتَ نَاطِرٌ (٢٩) وَ فَكَّرُوا كَمَا أَنْتَ مُفَكِّرٌ (٣٠) ثُمَّ رَدَّهُمْ آخِرُ
ذَلِكَ إِلَى الْأَخْذِ بِهَا عَرَفُوا (٣١) وَ الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَمْ يُكَلِّفُوا (٣٢) فَإِنْ أَبَتِ
نَفْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عَلِمُوا فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَفَهُيمٍ
وَ تَعَلُّمٍ (٣٣) لَا بِتَوَرُّطِ الشُّبُهَاتِ وَ عَلَقِ الْخُصُومَاتِ (٣٤) وَ ابْدَأْ قَبْلَ
نَظْرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِعَانَةِ بِالْهَيْكِ (٣٥) وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيقِكَ (٣٦)
وَ تَرِكِ كُلَّ شَائِبَةٍ أَوْ لَوَجَّتْكَ فِي شُبُهَةٍ أَوْ أَسْلَمَتْكَ إِلَى ضَلَالَةٍ (٣٧) فَإِنْ
أَيَّقَنْتَ أَنْ قَدْ صَفَا قَلْبُكَ فَخَشَعَ (٣٨) وَ تَمَّ رَأْيُكَ فَاجْتَمَعَ وَ كَانَ هَمُّكَ

فِي ذَلِكَ هَمًّا وَاحِدًا (٣٩) فَأَنْظُرْ فِيهَا فَسَرْتُ لَكَ (٤٠) وَإِنْ لَمْ يَجْتَمِعْ لَكَ
مَا تُحِبُّ مِنْ نَفْسِكَ (٤١) وَفَرَاغَ نَظْرِكَ وَفِكْرِكَ (٤٢) فَأَعْلَمْ أَنَّكَ إِتْمَا
تُحِبُّ الْعُشُوَاءَ (٤٣) وَتَتَوَرَّطُ الظُّلَمَاءَ (٤٤) وَلَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ خَبَطَ
أَوْ خَلَطَ (٤٥) وَالْإِمْسَاكُ عَنِ ذَلِكَ أَمْثَلُ فَتَفَهَّمْ (٤٦).





همان که

می آفریند،

می میراند

همان که می‌آفریند، می‌میراند

فرزندم!

- ۱ به وصیت من خوب فکر کن
- ۲ و بدان، مرگ در اختیار کسی است که زندگی در اختیار اوست؛
- ۳ همان که می‌آفریند، می‌میراند؛
- ۴ همان که نیست می‌کند؛ باز می‌گرداند؛
- ۵ همان که گرفتار می‌کند، آسایش می‌بخشد.
- ۶ بی‌تردید، دنیا، جز با نظام خداوندی، برقرار نمی‌ماند: نعمت‌ها، سختی‌ها، سزای روز جزا و اموری که قرار داده و ما درک نمی‌کنیم.
- ۷ درک بعضی سنت‌های خداوندی، اگر برایت مشکل شد، بگذار به حساب این که به حکمت‌های آن نادانی؛
- ۸ چون تو در اول آفرینش، نادان بودی و بعد دانایت کردند.
- ۹ زیاد پیش آمده که چیزهایی را نمی‌دانی؛ اموری فکرت را سرگردان می‌کنند و بصیرتت، راهی برای فهم آنها نمی‌یابد؛ اما بعدها



درکشان می‌کنی؛

- ۱۰ پس به آن که تورا آفریده، روزی داده و خلقتی متعادل بخشیده، پناه
ببر!
۱۱ بندگی ات برای او باشد؛ شوق به او و هراست از او.

فرزندم، بدان!

- ۱۲ کسی از خدا خبری نیاورده، آن جور که پیامبر خبر آورد؛ پس بگذار او
پیشوای تو باشد.
۱۳ او تورا تا نجات، راه ببرد.
۱۴ من در نصیحت کردن تو، هیچ کوتاهی نکردم.
۱۵ تو بخواهی خودت را بشناسی، سعی هم بکنی، باز به آن حدی که
من تورا می‌شناسم و درک می‌کنم، نمی‌رسی.

فرزندم، بدان!

- ۱۶ اگر خدایت شریکی داشت، رسولان آن شریک، سراغت می‌آمدند؛
۱۷ آثار پادشاهی او را می‌دیدي؛
۱۸ از کارها و اوصافش باخبر می‌شدی؛
۱۹ ولی او خدای یگانه‌ای است؛
همان جور که خودش، خودش را وصف می‌کند.

- ۲۰ کسی با حکومتش در تضاد نیست؛
- ۲۱ بوده و نابود، نمی شود؛
- ۲۲ پیش از همه چیز است و آغاز و ابتدایی ندارد؛
- ۲۳ بعد از همه چیز است و آخر و انتهایی ندارد
- ۲۴ بزرگ تر از آن که دلی یا دیده ای، تمام ربوبیت او را دریابد.
- ۲۵ حالا که این حقیقت را دریافتی،
- رفتارت، رفتار کسی باشد که شأنی حقیر دارد؛
- ۲۶ قدرتی ناچیز،
- ۲۷ ضعفی زیاد،
- ۲۸ و حجم بزرگی نیاز؛
- ۲۹ نیاز به توفیق فرمان بری، هراس از انتقام و ترس از خشم او؛
- ۳۰ چون که بی تردید، او جز به زیبایی ها، فرمان نداده
- ۳۱ و جز از زشتی ها دورتان نکرده.

فرزندم!

- ۳۲ تو را از دنیا و حالتش، نیست شدن و دست به دست گشتن اش، خبر کردم؛
- ۳۳ از آخرت هم خبرت کردم؛ از آن چه که آن جا برای اهلش آماده کرده اند.



- ۳۴ برای هر دو جهان هم مثال‌هایی زدم؛ تا عبرت‌گیری و قدم‌هایت را با توجه به آن برداری.
- ۳۵ مردمی که دنیا را آزموده و شناخته‌اند، مثل مسافرانی‌اند که از منزل‌گاهی بی‌آب و گیاه، عزم‌جایی را کرده‌اند، وسیع و آباد.
- ۳۶ آنان، رنج راه و دوری دوست، سختی سفر و غذای ناگوار، همه را تاب می‌آورند؛
- ۳۷ تا به خانه وسیع و منزل‌گاه امن و آرامشان برسند.
- ۳۸ از این سختی‌ها، دردی احساس نمی‌کنند؛
- ۳۹ هزینه‌های سفر را ضرر حساب نمی‌کنند
- ۴۰ دوست داشتنی‌تر از آن چه به منزل و محله موعود، نزدیکشان می‌کند، چیزی نیست
- ۴۱ و مردمی که دنیا فریشان داده، مثل مسافرانی‌اند که از جایی وسیع و آباد، می‌روند به منزل‌گاهی بی‌آب و گیاه؛
- ۴۲ و برایشان ناخوشایندتر و دشوارتر از این کوچ، از این رفتن به جانب نآباد، چیزی نیست.



پی نوشت:

يَا بُنَيَّ وَصِيَّتِي (١) وَاعْلَمْ أَنَّ مَالِكَ الْمَوْتِ هُوَ مَالِكُ الْحَيَاةِ (٢) وَأَنَّ
الْحَالِقَ هُوَ الْمُمَيَّتُ (٣) وَأَنَّ الْمُفْنَى هُوَ الْمُعِيدُ (٤) وَأَنَّ الْمُتَبَلَّى هُوَ الْمُعَافَى
(٥) وَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِيَسْتَقَرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النِّعْمَاءِ وَ
الْإِبْتِلَاءِ وَ الْجُزْءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ بِمَا لَا تَعْلَمُ (٦) فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْكَ
شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ عَلَى جَهَالَتِكَ (٧) فَإِنَّكَ أَوَّلُ مَا خُلِقَتْ بِهِ جَاهِلًا
ثُمَّ عَلَّمْتَ (٨) وَمَا أَكْثَرَ مَا تَجْهَلُ مِنَ الْأَمْرِ وَ يَتَحَيَّرُ فِيهِ رَأْيُكَ وَ يَضِلُّ
فِيهِ بَصْرُكَ ثُمَّ تُبْصِرُهُ بَعْدَ ذَلِكَ (٩) فَاعْتَصِمِ بِالَّذِي خَلَقَكَ وَ رَزَقَكَ
وَ سَوَّاكَ (١٠) وَ لِيَكُنْ لَهُ تَعْبُدُكَ وَ إِلَيْهِ رَغْبَتُكَ وَ مِنْهُ سَفَقَتُكَ (١١).
وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَدًا لَمْ يُنْبِئْ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَارْضَ بِهِ رَائِدًا (١٢) وَ إِلَى النَّجَاةِ قَائِدًا (١٣) فَإِنِّي لَمْ أَلِكْ
نَصِيحَةً (١٤) وَ إِنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ فِي النَّظَرِ لِنَفْسِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدْتَ مَبْلَغَ نَظَرِي
لَكَ (١٥). وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكَ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ (١٦) وَ
لَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ (١٧) وَ لَعَرَفْتَ أَفْعَالَهُ وَ صِفَاتِهِ (١٨) وَ لَكِنَّهُ
إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ (١٩) لَا يُضَادُّهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ (٢٠) وَ لَا يَزُولُ

أَبَدًا وَ لَمْ يَزَلْ (٢١) أَوَّلَ قَبْلِ الْأَشْيَاءِ بِلَا أَوْلِيَّةٍ (٢٢) وَ آخِرَ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ
بِلَا نِهَائِيَّةٍ (٢٣) عَظُمَ عَنْ أَنْ تَثْبُتَ رُبُوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ (٢٤) فَإِذَا
عَرَفْتَ ذَلِكَ فَافْعَلْ كَمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِكَ أَنْ يَفْعَلَهُ فِي صِغَرِ حَظِّهِ (٢٥) وَ قَلَّةِ
مَقْدَرَتِهِ (٢٦) وَ كَثْرَةِ عَجْزِهِ (٢٧) وَ عَظِيمِ حَاجَتِهِ إِلَى رَبِّهِ (٢٨) فِي طَلَبِ
طَاعَتِهِ وَ الْحُشْيَةِ مِنْ عُقُوبَتِهِ وَ الشَّفَقَةِ مِنْ سُخْطِهِ (٢٩) فَإِنَّهُ لَمْ يَأْمُرَكَ
إِلَّا بِحَسَنِ (٣٠) وَ لَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنْ قَبِيحٍ (٣١). يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ
عَنِ الدُّنْيَا وَ حَالِهَا وَ زَوَالِهَا وَ انْتِقَالِهَا (٣٢) وَ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا
أَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا (٣٣) وَ صَرَّبْتُ لَكَ فِيهَا الْأَمْثَالَ لِتَعْتَبَرَ بِهَا وَ تَحْذُو
عَلَيْهَا (٣٤) إِنَّمَا مِثْلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمِثْلِ قَوْمٍ سَفَرُوا نَبَا بِهِمْ مَنْزِلٌ جَدِيدٌ
فَأَمُّوا مَنْزِلًا حَصِيبيًّا وَ جَنَابًا مَرِيعًا (٣٥) فَاحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ الطَّرِيقِ وَ فِرَاقَ
الصَّدِيقِ وَ حُشُونَةَ السَّفَرِ وَ جُشُوبَةَ المَطْعَمِ (٣٦) لِيَأْتُوا سَعَةَ دَارِهِمْ وَ
مَنْزِلَ قَرَارِهِمْ (٣٧) فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلْمًا (٣٨) وَ لَا يَرَوْنَ
نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَمًا (٣٩) وَ لَا شَيْءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ وَ أَدْنَاهُمْ
مِنْ مَحَلَّتِهِمْ (٤٠) وَ مِثْلُ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا كَمِثْلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ حَصِيْبٍ فَنَبَا
بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيدٍ (٤١) فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَ لَا أَفْظَعَ عِنْدَهُمْ مِنْ
مُفَارَقَةِ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ وَ يَصِيرُونَ إِلَيْهِ (٤٢).



پیش از فرود،

جای فرودت را

هموار کن

پیش از فرود، جای فرودت را هموار کن

فرزندم!

- ۱ در رابطه با دیگران، دل خودت را میزان قرار بده؛
- ۲ هرچه برای خودت می خواهی، برای آنها هم بخواه؛
- ۳ هرچه برای خودت نمی خواهی، برای آنها هم نخواه؛
- ۴ همان جور که خوش نداری به تو ظلمی شود، ظلمی نکن.
- ۵ همان جور که دوست داری به تو خوبی کنند، خوبی کن.
- ۶ هرچه فکر می کنی مردم اگر بکنند بد است، برای خودت هم بد حساب کن.
- ۷ هرچه را برای خودت می پسندی، برای آنها هم بپسند.
- ۸ هرچه نمی دانی، نگو؛ حتی اگر آن چه می دانی کم است.
- ۹ هرچه نمی خواهی درباره ات بگویند، درباره کسی نگو.
- ۱۰ از خود راضی بودن، خلاف درستی و آفت اندیشه هاست.
- ۱۱ پس (به این که هستی، راضی نباش) و تمام سعی ات را بکن و



ذخیره‌ساز دیگران نباش.

۱۲ به مقصد هم که رسیدی، بیشتر از همیشه، در برابر پروردگارت، خاشع باش.

بدان!

۱۳ بدان راهی طولانی و دشوار، پیش روداری

۱۴ قطعا به توشه کافی نیاز داری؛ به سبک باری،

و به این که قدم‌هایت درست و در مسیر باشند؛

۱۵ بیش از طاقتت، باربرندار

۱۶ که مبادا در راه، سنگینی بار، دست و پا گیرت شود.

۱۷ اگر بین نیازمندان، کسی را یافتی که توشه‌ات را برایت به قیامت ببرد

و توشه را، فردای محشر، در لحظه احتیاج، به تو برگرداند، وجودش را

غنیمت بشمار (انفاق کن؛ انفاق کن)، بار را بگذار بردوش او.

۱۸ تامی توانی، بار و کوله‌اش را سنگین کن؛

۱۹ شاید بعدها، کسی را با این مشخصات، پیدا نکنی.

۲۰ هر کسی روز داری‌ات از تو وام می‌خواهد، وجودش را غنیمت

بشمار؛

۲۱ تا در آن روز تنگ‌دستی، روز گرفتاری، وام را به تو پس دهد.



بدان!

- ۲۲ گردنه و گذرگاهی دشوار، پیش روداری
- ۲۳ که حال و روز سبک باران، وقت عبور از آن، بهتر از اوضاع مردم سنگین باراست.
- ۲۴ هر که کُند و آهسته عبور می‌کند، از آن که شتابان رد می‌شود، حال بدتری دارد.
- ۲۵ بعد از این گذرگاه، ناگزیری یا در بهشت فرود آیی یا در جهنم.
- ۲۶ پس، پیش از فرود، قاصدی بفرست تا برایت، جایی آماده کند.
- ۲۷ پیش از فرود، جای فرودت را هموار کن
- ۲۸ که بعد از مرگ، نه می‌توان خدا را راضی کرد و نه می‌توان به دنیا برگشت.

فرزندم!

- ۲۹ کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین به دست اوست، به تو اجازه خواستن، و اجازه دعا داده،
- ۳۰ ضمانت کرده که خواهش‌های تو را جواب می‌دهد،
- ۳۱ فرمان داده، که بخواهی، تا بدهد.
- ۳۲ پی مهرش باش، تا به تو مهر بورزد.
- ۳۳ بین تو و خودش، نگذاشته کسی حجاب و فاصله باشد.



- ۳۴ تو را به کسی دیگر حواله نداده، پس لازم نیست یکی بین او و تو واسطه باشد.
- ۳۵ وقتی بد می‌کنی، راه بازگشتت را نمی‌بندد.
- ۳۶ در عذابت عجله نمی‌کند.
- ۳۷ وقتی توبه می‌کنی و باز می‌گردی، سرزنشت نمی‌کند.
- ۳۸ حتی اگر رسوایی حق توست، باز، رسوایت نمی‌کند.
- ۳۹ وقتی بازمی‌گردی، سخت نمی‌گیرد و می‌پذیرد.
- ۴۰ وقتی بازمی‌گردی، با جریمه و جزا، آزارت نمی‌دهد و از لطفش، ناامیدت نمی‌کند؛
- ۴۱ بلکه بازگشتت را، برایت ثواب حساب می‌کند.
- ۴۲ هر گناهی را یکی و هر کار خوبی را ده تا حساب می‌کند.
- ۴۳ برایت در بازگشت را باز گذاشته است.
- ۴۴ صدایش که می‌کنی، صدایت را می‌شنود.
- ۴۵ در دل، اگر با او نجوا کنی، نجوایت را می‌فهمد.
- ۴۶ نیازت را می‌بری پیش او.
- ۴۷ سفره دلت را پیش او می‌کنی.
- ۴۸ از غم و غصه هایت، به او شکایت می‌کنی.
- ۴۹ برای گرفتاری هایت، از او چاره می‌خواهی.
- ۵۰ در کار هایت، از او کمک می‌خواهی.



- ۵۱ چیزهایی از گنجینه‌های لطفش درخواست می‌کنی که هیچ کس
دیگر نمی‌تواند آنها را بدهد؛
- ۵۲ مثل طول عمرها، سلامتی بدن‌ها و وسعت روزی‌ها.
- ۵۳ کلید همه گنجینه‌هایش را گذاشت در دو دست تو؛ وقتی به تو اجازه
دعا و خواهش داد.
- ۵۴ حالا هر وقت بخواهی، با دعا، درهای نعمتش را باز می‌کنی.
- ۵۵ و انبوه مهر و لطفش را به روی خودت، سرازیر می‌کند.
- ۵۶ دیر آمدن پاسخ دعاها، ناامیدت نکند....
- ۵۷ خیلی وقت‌ها، دعایت را دیر اجابت می‌کند؛ چون در این تأخیرها،
پاداش دعاکننده و عطایی که به امیدوار، می‌دهند، بیشتر می‌شود.
- ۵۸ خیلی وقت‌ها، چیزی می‌خواهی، نمی‌دهند؛
- ۵۹ اما، در دنیا یا آخرت، بهتر از آن را به تو می‌بخشند؛
- ۶۰ یا آن را نمی‌دهند؛ چون به صلاح نیست.
- ۶۱ خیلی وقت‌ها، اگر چیزی که خواسته‌ای بدهند، دینت از بین می‌رود.
- ۶۲ پس چیزی بخواه که زیبایی‌اش برایت بماند و رنج و سختی‌اش، از
تو دور باشد؛
- ۶۳ که نه ثروت برای تو باقی می‌ماند و نه تو برای ثروت باقی می‌مانی.



پی نوشت:

يَا بَنِي اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ (۱) فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ (۲) وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا (۳) وَ لَا تَطْلُمَ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُطْلَمَ (۴) وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ (۵) وَ اسْتَفِيحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُهُ مِنْ غَيْرِكَ (۶) وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ هُمْ مِنْ نَفْسِكَ (۷) وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَ إِنْ قُلَّ مَا تَعْلَمُ (۸) وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ (۹) وَ اعْلَمْ أَنَّ الإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَ آفَةُ الأَلْبَابِ (۱۰) فَاسْعَ فِي كَدْحِكَ وَ لَا تَكُنْ خَازِنًا لِغَيْرِكَ (۱۱) وَ إِذَا أَنْتَ هُدَيْتَ لِقَصْدِكَ فَكُنْ أَحْسَنَ مَا تَكُونُ لِرَبِّكَ (۱۲). وَ اعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ وَ مَشْفَقَةٍ شَدِيدَةٍ (۱۳) وَ أَنَّهُ لَا غِنَى بِكَ فِيهِ عَنْ حُسْنِ الإِزْتِيَادِ وَ قَدْرِ بِلَاغِكَ مِنَ الزَّادِ مَعَ خِفَّةِ الظَّهْرِ (۱۴) فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ (۱۵) فَيَكُونُ ثِقْلٌ ذَلِكَ وَبِأَلَا عَلَيْكَ (۱۶) وَ إِذَا وَجَدْتَ مِنْ أَهْلِ الأَفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ رَادَكَ إِلَى يَوْمِ القِيَامَةِ فَيُؤَافِيكَ بِهِ عَدَاً حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَاعْتَنِمُهُ وَ حَمَلُهُ إِيَّاهُ (۱۷) وَ أَكْثُرْ مِنْ تَرْوِيدِهِ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ (۱۸) فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدُهُ (۱۹) وَ اعْتَنِمِ مِنَ اسْتَقْرَصِكَ فِي حَالِ غِنَاكَ (۲۰)

لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ (٢١). وَاعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ عَقَبَةٌ كَثُودًا
 (٢٢) الْمُخْفُفُ فِيهَا أَحْسَنُ حَالًا مِنَ الْمُثْقَلِ (٢٣) وَ الْمُبْطِيُّ عَلَيْهَا أَفْبَحُ حَالًا
 مِنَ الْمُسْرِعِ (٢٤) وَ أَنَّ مَهْبِطَكَ بِهَا لَا مَحَالَةَ إِلَّا مَا عَلَى جَنَّةٍ أَوْ عَلَى نَارٍ (٢٥)
 فَارْتَدُّ لِنَفْسِكَ قَبْلَ نُزُولِكَ (٢٦) وَ وَطِئِ الْمَنْزِلَ قَبْلَ حُلُولِكَ (٢٧) فَلَيْسَ
 بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ وَ لَا إِلَى الدُّنْيَا مُنْصَرَفٌ (٢٨). وَ اعْلَمْ أَنَّ الذِّبْنَ بِيَدِهِ
 خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ أُذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ (٢٩) وَ تَكْفَلُ لَكَ
 بِالْإِجَابَةِ (٣٠) وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيكَ (٣١) وَ تَسْتَرْجِمَهُ لِيَرْحَمَكَ (٣٢)
 وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ (٣٣) وَ لَمْ يُلْجِئِكَ إِلَى مَنْ يَسْفَعُ
 لَكَ إِلَيْهِ (٣٤) وَ لَمْ يَمْنَعْكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ (٣٥) وَ لَمْ يُعَاجِلْكَ بِالنَّقْمَةِ
 (٣٦) وَ لَمْ يُعَيِّرْكَ بِالْإِنَابَةِ (٣٧) وَ لَمْ يَفْضَحْكَ حَيْثُ الْفُضِيحَةُ بِكَ أَوْلَى
 (٣٨) وَ لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَابَةِ (٣٩) وَ لَمْ يُنَاقِشْكَ بِالْجَرِيمَةِ وَ لَمْ
 يُؤَيِّسْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ (٤٠) بَلْ جَعَلَ نُزُوعَكَ عَنِ الذَّنْبِ حَسَنَةً (٤١) وَ
 حَسَبَ سَيِّئِكَ وَاحِدَةً وَ حَسَبَ حَسَنَتِكَ عَشْرًا (٤٢) وَ فَتَحَ لَكَ بَابَ
 الْمَتَابِ وَ بَابَ الْإِسْتِعَابِ (٤٣) فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ (٤٤) وَ إِذَا نَاجَيْتَهُ
 عَلِمَ نَجْوَاكَ (٤٥) فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ (٤٦) وَ أَبَشَّتُهُ ذَاتَ نَفْسِكَ
 (٤٧) وَ سَكَوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ (٤٨) وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ (٤٩) وَ اسْتَعْتَمْتَهُ
 عَلَى أُمُورِكَ (٥٠) وَ سَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ
 (٥١) مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ وَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ (٥٢) ثُمَّ جَعَلَ
 فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أُذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ (٥٣) فَمَتَى شِئْتَ

اسْتَفْتَحْتَ بِالِدُّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ (٥٤) وَ اسْتَمْطَرْتَ شَائِبَ رَحْمَتِهِ (٥٥)
فَلَا يُقْنِطَنَّكَ إِطْءَاءُ إِجَابَتِهِ ... (٥٦) وَ رَبُّهَا أُخَّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ
ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمِلِ (٥٧) وَ رَبُّهَا سَأَلَتْ الشَّيْءَ
فَلَا تُؤْتَاهُ (٥٨) وَ أُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا (٥٩) أَوْ صُرِفَ عَنْكَ
لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ (٦٠) فَلَرَبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَكَ دِينُكَ لَوْ أُوتِيْتَهُ (٦١)
فَلْتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَ يُنْفَى عَنْكَ وَبِأَلِهِ (٦٢) فَالْمَالُ لَا
يَبْقَى لَكَ وَ لَا تَبْقَى لَهُ (٦٣).





به جایی دیگر
باید رسید

به جایی دیگر باید رسید

بدان، فرزندم!

- ۱ بی تردید، تو را برای آخرت آفریده‌اند؛ نه برای دنیا
- ۲ برای فنا، نه برای بقا؛
- ۳ برای مرگ؛ نه برای زندگی.
- ۴ جایی فرود آمده‌ای که از آن جا باید رفت؛ به جایی دیگر باید رسید.
- ۵ تودر جاده آخرتی!
- ۶ توشکار فراری مرگی و فراری از مرگ، نجات نمی‌یابد.
- ۷ مرگ، شکار خودش را پیدا می‌کند.
- ۸ و بی پرو برگرد، آن را می‌گیرد.
- ۹ بترس از این که مرگ، موقعی سراغت بیاید که داری گناه می‌کنی.
- ۱۰ و با خودت هم می‌گویی که از این گناه توبه می‌کنم.
- ۱۱ بترس از این که مرگ، بین تو و توبه موعودت، فاصله بیندازد، اگر این طور شود، خودت را تباہ کرده‌ای.

فرزندم!

- ۱۲ زیاد، یاد مرگ کن؛
- ۱۳ یاد جایی که ناگهان در آن فرومی افتی
- ۱۴ و بعدِ مردن، به آن می رسی؛
- ۱۵ تا وقتی سراغت آمد، آماده باشی؛ کمر بسته و مهیا؛
- ۱۶ نکند ناگهانی غافلگیرت کند و مغلوب شوی؛
- ۱۷ نکند رنگ و لعاب مردمی که خیال برشان داشته، در دنیا می ماند،
مردمی که مثل سگ، دنیا را از هم می دزدند، تو را گول بزند.
- ۱۸ خدا که از احوال این روزگار پست، تو را خبر کرده،
- ۱۹ خود دنیا هم به تو، خودش را معرفی کرده،
- ۲۰ و زشتی هایش را نشانت داده.
- ۲۱ مردمی که پی دنیایند، سگ های عوعوزن و درندگان شکاری اند؛
- ۲۲ به هم چنگ و دندان نشان می دهند؛
- ۲۳ زورمندها شان، بی زورها را می خورند
- ۲۴ بزرگ هاشان، کوچک ترها را تحت سلطه می گیرند.
- ۲۵ بعضی هاشان، چهارپای رام و زانوبند دارند؛
- ۲۶ بعضی ها را شده
- ۲۷ و زانوبند هاشان را گم کرده اند

- ۲۸ و به تاخت، سَمَتِ بیراهه می روند.
- ۲۹ در شنزاری بی گیاه و علف (و پراز) رنج و آفت می چرند؛
- ۳۰ بی چوپانی که مواظبشان باشد،
- ۳۱ و بی گله بانی که آنها را (در مرتعی سالم) بیچراند.
- ۳۲ دنیا آنها را برد به راهی تاریک
- ۳۳ چشم هایشان را هم گرفت؛ تا علائم و نشانه های راه روشن را نبینند.
- ۳۴ آنان در سرگردانی های دنیا گم شدند؛
- ۳۵ در نعمت هایش فرورفتند
- ۳۶ و دنیا شد خدایشان.
- ۳۷ بعد، دنیا با آنها بازی کرد آنها هم با دنیا بازی کردند
- ۳۸ و هرچه فراسوی آن بود، از یاد بردند.
- ۳۹ اگر صبر کنی، تاریکی کنار می رود.
- ۴۰ کجاوه های سفر، رسیده و آماده، ایستاده اند.
- ۴۱ هر که تند و سریع رود، به کاروان می رسد.

فرزندم، بدان!

- ۴۲ آدمی که بر مرکب زمان سوار است، بر مرکب روزها و شبها، حتی وقتی خودش خیال می کند ایستاده است، مرکب زمان، دارد او را پیش می برد،



- ۴۳ همان وقتی که خیال می‌کند جایی ساکن شده و استراحت می‌کند، دارد روبه پایان، جلو می‌رود.
- ۴۴ پس مطمئن باش که به آرزویت نمی‌رسی و بیش از اندازه مقرر، عمر نمی‌کنی.
- ۴۵ که تو در همان جاده‌ای هستی که آدم‌های پیش از تو رفته‌اند.
- ۴۶ پس در جست‌وجوی مال و منال دنیا، آرام و بی‌حرص باش و وقت خرج کردنش هم سنجیده و زیبا عمل کن.
- ۴۷ خیلی پیش آمده که افزون‌طلبی‌ها، همه مال را بر باد داده است.
- ۴۸ این طور نیست که هر که بیفتد پی مال و منال، به آن برسد
- ۴۹ یا هر کس خیلی پی آن نباشد، محروم بماند.
- ۵۰ روح را بالاتر از این بدان که آلوده پستی و فرومایگی شود؛ حتی اگر از این مسیر، به آرزوهایت برسی (کرامت روح را معامله نکن).
- ۵۱ هیچ کالایی، هم‌قیمت با آن چه از روح و وجود تو کم می‌شود، نیست.
- ۵۲ بنده کس دیگری نباش که خدا تو را آزاد آفریده است. (آرزوهایت فقط با پستی و فرومایگی به دست می‌آیند؟)
- ۵۳ چه جور خیری است؛ خیری که فقط از مسیر شرمی شود به آن رسید؟

۵۴ چه جور آسایشی است؛ آسایشی که فقط از مسیری سخت می شود
به آن رسید؟

۵۵ نکند مرکب های طمع، تند و شتابان، تو را تا چشمه های هلاکت
ببرند.

۵۶ اگر می توانی، نگذار یکی که نعمتی در اختیار دارد، بین تو و خدا قرار
گیرد. (نعمت را به جای این که از او بخواهی، مستقیم از خود خدا
بخواه).

۵۷ به هر حال، همان قسمت و سهم مقررت را می گیری؛

۵۸ ولی کم و اندکی که خود خدای پاک به آدم بدهد، بزرگ تر و با
ارزش تر از زیاد و بسیاری است که آفریدگانش بدهند؛ با این که همه
و هر نعمتی از اوست.

۵۹ جبران ضرری که از سکوت به تومی رسد، آسان تر از جبران حرف های
نابجاست.

۶۰ بندهای ظرف را اگر خوب و محکم ببندی، هر چه در ظرف است،
سالم می ماند.

۶۱ من بیشتر دوست دارم که هر چه داری، درست نگه داری؛ تا این که
بیفتی پی آن چه دیگران دارند.

۶۲ تلخی یأس، بهتر از خواستن از مردم است.



۶۳ کار کم درآمد با پاکدامنی، بهتر از توان‌گری با گناه است.

۶۴ آدم، راز خودش را بهتر از هر کس دیگر ننگه می‌دارد.

۶۵ خیلی‌ها در راهی سعی می‌کنند که به ضرر خودشان تمام می‌شود.

۶۶ پر حرف، هرزه‌گو می‌شود

۶۷ و آن که می‌اندیشد، بینایی می‌یابد.



پی نوشت:

وَ اعْلَمَ يَا بَنِيَّ اَنَّكَ اِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا (۱) وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ (۲) وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ (۳) وَ اَنَّكَ فِي قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْعَةٍ (۴) وَ طَرِيقٍ اِلَى الْآخِرَةِ (۵) وَ اَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ (۶) وَ لَا يَمُوتُهُ طَالِبُهُ (۷) وَ لَا بُدَّ اَنَّهُ مُدْرِكُهُ (۸) فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ اَنْ يُدْرِكَكَ وَ اَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ (۹) فَذَكُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ (۱۰) فَيَحْوَلُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ذَلِكَ فَاِذَا اَنْتَ فَذَكَرْتِ اَهْلَكَتِ نَفْسَكَ (۱۱). يَا بَنِيَّ اَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ (۱۲) وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ (۱۳) وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ اِلَيْهِ (۱۴) حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ اَخَذَتْ مِنْهُ جِذْرَكَ وَ سَدَدَتْ لَهُ اَرْزَكَ (۱۵) وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَهُ فَيَبْهَرَكَ (۱۶) وَ اِيَّاكَ اَنْ تَعْتَرَّ بِهَا تَرَى مِنْ اِخْلَادِ اَهْلِ الدُّنْيَا اِلَيْهَا وَ تَكَالِبُهُمْ عَلَيْهِا (۱۷) فَقَدْ نَبَّأَكَ اللهُ عَنْهَا (۱۸) وَ نَعَتْ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا (۱۹) وَ تَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا (۲۰) فَاِنَّمَا اَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَ سَبَاعٌ صَارِيَةٌ (۲۱) يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ (۲۲) وَ يَأْكُلُ عَزِيْرُهَا ذَلِيْلَهَا (۲۳) وَ يَفْهَرُ كَبِيْرُهَا صَغِيْرَهَا (۲۴) نَعْمَ مُعَقَلَةٌ (۲۵) وَ اُخْرَى مُهْمَلَةٌ (۲۶) فَذَكَرْتَ عَقُولَهَا (۲۷) وَ رَكِبْتَ مَجْهُولَهَا (۲۸) سُرُوْحٌ عَاهَةٌ بِوَادٍ وَ عِثٌ (۲۹)

لَيْسَ لَهَا رَاعٍ يَقيِمُهَا (٣٠) وَلَا مَسِيْمٌ يُسِيْمُهَا (٣١) سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا
طَرِيقَ الْعَمَى (٣٢) وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَن مَنَارِ الْهُدَى (٣٣) فَتَاهُوا فِي
حَيْرَتِهَا (٣٤) وَعَرَفُوا فِي نِعْمَتِهَا (٣٥) وَاتَّخَذُوهَا رَبًّا (٣٦) فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَ
لَعِبُوا بِهَا (٣٧) وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا (٣٨) رُوَيْدًا يُسْفِرُ الظَّلَامَ (٣٩) كَأَن قَدْ
وَرَدَتْ الْأَظْعَانُ (٤٠) يُوشِكُ مَنْ أَسْرَعَ أَنْ يَلْحَقَ (٤١). وَاعْلَمْ يَا بَنِيَّ
أَنَّ مَنْ كَانَتْ مَطِيئَتُهُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ فَإِنَّهُ يُسَارِبُهُ وَإِنْ كَانَ وَاقِفًا (٤٢) وَ
يَقْطَعُ الْمَسَافَةَ وَإِنْ كَانَ مُقِيمًا وَإِدْعَا (٤٣) وَاعْلَمْ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ
وَلَنْ تَعْدُوَ أَجْلَكَ (٤٤) وَ أَنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ (٤٥) فَخَفِّضْ فِي
الطَّلَبِ وَ أَجْمِلْ فِي الْمَكْتَسَبِ (٤٦) فَإِنَّهُ رَبُّ طَلَبٍ قَدْ جَرَّ إِلَى حَرْبٍ (٤٧)
وَ لَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ بِمَرْزُوقٍ (٤٨) وَ لَا كُلُّ مُجْمَلٍ بِمَحْرُومٍ (٤٩) وَ أَكْرَمُ
نَفْسِكَ عَن كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَاقَتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ (٥٠) فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ
بِهَا تَبْدُلًا مِن نَفْسِكَ عَوَضًا (٥١) وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ
حُرًّا (٥٢) وَ مَا خَيْرٌ خَيْرٍ لَا يُنَالُ إِلَّا بِسَرٍّ (٥٣) وَ يُسِرُّ لَا يُنَالُ إِلَّا بِعُسْرِ
(٥٤) وَ إِيَّاكَ أَنْ تُوجِفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فَتُورِدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ (٥٥)
وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فَافْعَلْ (٥٦) فَإِنَّكَ
مُدْرِكٌ قَسَمِكَ وَ أَحَدٌ سَهْمِكَ (٥٧) وَ إِنْ الْبَسِيرَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْظَمُ
وَ أَكْرَمُ مِنَ الْكَثِيرِ مِنْ خَلْقِهِ وَ إِنْ كَانَ كُلُّ مِنْهُ (٥٨) وَ تَلَايِكَ مَا فَرَطَ مِنْ
صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَايِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنَاطِقِكَ (٥٩) وَ حِفْظُ مَا فِي الْوَعَاءِ
بِشِدِّ الْوِكَاءِ (٦٠) وَ حِفْظُ مَا فِي يَدَيْكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلَبِ مَا فِي يَدِي

عَيْرِكَ (٦١) وَ مَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ (٦٢) وَ الْحِرْفَةُ مَعَ
الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ (٦٣) وَ الْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ (٦٤) وَ رَبُّ
سَاعٍ فِيهَا يَضُرُّهُ (٦٥) مَنْ أَكْثَرَ أَهْجَرَ (٦٦) وَ مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ (٦٧).





به سمت

فرصت‌ها

بشتاب!

به سمت فرصت‌ها بشتاب!

فرزندم!

- ۱ دوروبر خوبان بگرد تا از آنان شوی
- ۲ از اهل شرفاصله بگیر، تا از آنان جدا باشی.
- ۳ مال حرام، بد لقمه‌ای است
- ۴ وزشت‌ترین ظلم، ظلم به ناتوان است...
- ۵ خیلی داروها، خودشان دردند و خیلی دردها، دارو و مداوایند.
- ۶ خیلی وقت‌ها، یکی که انتظار نداری ناصح و خیرخواه باشد،
نصیحت خوبی می‌کند؛
- ۷ ولی یکی که ناصح حسابش می‌کنی، خیانت می‌کند.
- ۸ نکند به آرزوها تکیه کنی که آرزو، سرمایه آدم‌های احمق است.
- ۹ عقل، حفظ و به خاطر سپردن تجربه‌هاست
- ۱۰ و بهترین آنها، تجربه‌ای است که تورا پندی می‌دهد.

- ۱۱ به سمت فرصت‌ها بشتاب؛ قبل از این که از دست روند و به اندوه مبدل شوند.
- ۱۲ این طور نیست که هرکس چیزی می‌خواهد، به آن برسد یا آن چه نیست، باز گردد.
- ۱۳ این که توشه‌ات را ضایع و آخرتت را خراب کنی، یک جور تبه‌کاری است.
- ۱۴ هر کاری، عاقبتی دارد.
- ۱۵ همین امروز و فرداست که تقدیرتو فرا برسد.
- ۱۶ بازگان، در خطر است.
- ۱۷ خیلی دارایی‌های کم هستند که از دارایی بسیار هم برکت بیشتری دارند.
- ۱۸ یار و یاور پست و دوست متهم، فایده‌ای به حال آدم ندارند.
- ۱۹ تا روزگار در برابرت رام است و از آن بهره می‌بری، آسان بگیر، و به امید چیزهای بیشتر، خطر نکن.
- ۲۰ نکنند بگذاری مرکب لجاجت چموشی کند و تورا با خود ببرد.
- ۲۱ با دوست، خودت را وادار که این گونه باشی:
- ۲۲ از تو برید، وصل باش.
- ۲۳ از تو روگرداند، به او رو کن.
- ۲۴ با تو بخیل بود، بخشش کن.

- ۲۵ از تو دور شد، نزدیک برو.
- ۲۶ با تو تندی کرد، نرم باش.
- ۲۷ بدی کرد، عذرش را بپذیر.
- ۲۸ انگار بنده او بی و دوست، ولی نعمت توست.
- ۲۹ نکند این نرمی و وصل را در حق آن که شایسته نیست، یا جایی غیر
جای خودش، انجام دهی.
- ۳۰ با دشمن دوستت، دوست نشو که این، دشمنی در حق دوست
است.
- ۳۱ دوست در هر موردی که با تو مشورت می‌کند، خوب یا بد، صادقانه
خیر او را بخواه.
- ۳۲ جرعه جرعه، خشم خود را فرو ده. من شربتی با پایانی این همه
شیرین و ته مزه‌ای این همه گوارا، ندیده‌ام.
- ۳۳ با آن کس که با تو تندی می‌کند، نرمی کن که خیلی زود، با تو نرم
خواهد شد.
- ۳۴ نسبت به دشمن، با گذشت و فضیلت رفتار کن که این، از هر دو نوع
پیروزی، شیرین تر است.
- ۳۵ اگر از دوستت جدا می‌شوی، رشته‌ای از دوستی را بگذار بماند؛ تا اگر
روزی خواست، با همان رشته، به دوستی برگردد.
- ۳۶ اگر کسی به تو خوش بین است، تو کاری کن تا واقعا خیالش درست



از کار درآید.

- ۳۷ حق دوست را روی حساب رفاقتی که بینتان است، ضایع نکن.
- ۳۸ کسی که حقیقت را ضایع می‌کند، دیگر دوست حساب نمی‌شود.
- ۳۹ نباید به فامیل و خانواده‌ات، کمتر از آدم‌های دیگر توجه کنی.
- ۴۰ به کسی که هیچ از تو خوشش نمی‌آید علاقه مند نشو.
- ۴۱ جوری نباشد که هر اندازه دلت می‌خواهد، دوستی ادامه پیدا کند؛ پیش از آن که دوستت بخواهد دوستی‌تان تمام شود.
- ۴۲ جوری نباشد او در بدی کردن، تواناتر از تو در خوبی کردن باشد.
- ۴۳ ظلم هر که به تو ظلم می‌کند، به نظرت بزرگ نیاید؛
- ۴۴ چون او دارد به سود تو و به ضرر خودش کار می‌کند.
- ۴۵ پاداش یکی که تو را خوشحال کرده، بدی کردن نیست.

پی نوشت:

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ (۱) وَ بَايِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبَيَّنْ عَنْهُمْ (۲) بِئْسَ
الطَّعَامُ الْحَرَامُ (۳) وَ ظَلَمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمِ (۴) ... رَبِّمَا كَانَ الدَّوَاءُ
دَاءً وَ الدَّاءُ دَوَاءً (۵) وَ رَبِّمَا نَصَحَ عَيْرُ النَّاصِحِ (۶) وَ عَشَّ الْمُسْتَنْصِحُ
(۷) وَ إِيَّاكَ وَ الْإِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَصَائِعُ النُّوْكَى (۸) وَ الْعَقْلُ حِفْظُ
التَّجَارِبِ (۹) وَ خَيْرٌ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ (۱۰) بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ
تَكُونَ غُصَّةً (۱۱) لَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ يُصِيبُ وَ لَا كُلُّ غَائِبٍ يَأْتِي (۱۲)
وَ مِنَ الْفُسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ وَ مَفْسَدَةُ الْمَعَادِ (۱۳) وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ (۱۴)
سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ (۱۵) التَّاجِرُ مُحَاطِرٌ (۱۶) وَ رَبُّ يَسِيرٍ أُنْمَى
مِنْ كَثِيرٍ (۱۷) لَا خَيْرَ فِي مُعِينٍ مَهِينٍ وَ لَا فِي صَدِيقٍ طِينٍ (۱۸) سَاهِلِ
الدَّهْرَ مَا دَلَّ لَكَ فَعُودُهُ وَ لَا تُخَاطِرْ بِشَيْءٍ رَجَاءَ أَكْثَرٍ مِنْهُ (۱۹) وَ إِيَّاكَ
أَنْ تَجْمَحَ بِكَ مَطِيئَةُ اللَّجَاجِ (۲۰) اِهْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ (۲۱) عِنْدَ
صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ (۲۲) وَ عِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطْفِ وَ الْمُقَارَبَةِ (۲۳) وَ
عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدَلِ (۲۴) وَ عِنْدَ تَبَاعُدِهِ عَلَى الدُّنُوِّ (۲۵) وَ عِنْدَ شِدَّتِهِ
عَلَى اللَّيْنِ (۲۶) وَ عِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى الْعُدْرِ (۲۷) حَتَّى كَاتَكَ لَهُ عَبْدٌ وَ كَاتَهُ

دُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ (٢٨) وَإِيَّاكَ أَنْ تَصْعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ أَنْ تَنْفَعَهُ
 بِغَيْرِ أَهْلِهِ (٢٩) لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ (٣٠)
 وَامْحُضْ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ حَسَنَةً كَانَتْ أَوْ قَبِيحَةً (٣١) وَتَجَرَّعِ الْعَيْطَ فَإِنِّي
 لَمْ أَرْ جُرْعَةً أَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَةً وَلَا أَلَذَّ مَغَبَّةً (٣٢) وَ لِنُ لِمَنْ غَالَطَكَ فَإِنَّهُ
 يُوشِكُ أَنْ يَلِينَ لَكَ (٣٣) وَ خُذْ عَلَى عَدُوِّكَ بِالْفَضْلِ فَإِنَّهُ أَحْلَى الظَّفَرَيْنِ
 (٣٤) وَإِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةَ أَخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ
 بَدَأَ لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا مَا (٣٥) وَ مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدِّقْ ظَنَّهُ (٣٦) وَ لَا
 تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكِلَا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ (٣٧) فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ
 أَصْعَتَ حَقَّهُ (٣٨) وَ لَا يَكُنْ أَهْلُكَ أَشَقَى الخَلْقِ بِكَ (٣٩) وَ لَا تَزْعَبَنَّ
 فِيمَنْ زَهَدَ عَنْكَ (٤٠) وَ لَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى
 صِلَتِهِ (٤١) وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَى الإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الإِحْسَانِ (٤٢) وَ لَا
 يَكْبُرَنَّ عَلَيْكَ ظَلْمٌ مَنْ ظَلَمَكَ (٤٣) فَإِنَّهُ يُسْعَى فِي مَصْرَتِهِ وَ نَفْعِكَ (٤٤)
 وَ لَيْسَ جَزَاءُ مَنْ سَرَّكَ أَنْ تَسُوَّهُ (٤٥).



دین و دنیایت را

به خدا

می سپارم

دین و دنیایت را به خدا می سپارم

فرزندم، بدان!

- ۱ دوجوررزق و روزی داریم؛ یکی آن که تودنبالش می روی و یکی آن که می آید دنبالت؛ می آید سراغت؛ حتی اگر پی اش نباشی.
- ۲ چه زشت است روز نیازمندی، خود را کوچک و پست کردن و روز بی نیازی، ظلم و ستم کردن!
- ۳ آن چیزی از دنیا واقعاً مال توست که با آن، جایگاه ابدی ات را آباد کرده باشی.
- ۴ اگر برای آن چه از دستت رفته، ناله می کنی،
- ۵ پس برای هر چه به دستت نرسیده هم ناله بزن.
- ۶ بگذار وقایع گذشته، دلیل و راهنمای تودر وقایع آینده و نیامده باشد که امور، همیشه به هم شبیه اند.
- ۷ از مردمی نباش که موعظه سودی به حالشان ندارد؛ مگر این که سخت توبیخ و آزارشان کنند.



- ۸ خردمند، از تعلیم، پند می‌گیرد،
- ۹ چهارپایانند که جز با ضرب تازیانه، ادب نمی‌شوند.
- ۱۰ امواج اندوه را با شکیبایی جدی و زیبای یقین، از خود دورکن.
- ۱۱ هر که اعتدال را کنار بگذارد، منحرف می‌شود.
- ۱۲ دوست خوب، مثل فامیل است.
- ۱۳ دوست واقعی، در غیاب دوست هم به دوستی اش وفادار است.
- ۱۴ هوا و هوس، شریک کوردلی‌اند.
- ۱۵ خیلی وقت‌ها، بیگانه‌ای، از فامیل به آدم نزدیک تراست
- ۱۶ و خویشاوندی، از بیگانه‌ها هم دورتر.
- ۱۷ غریب، آن آدمی است که دوستی ندارد.
- ۱۸ کسی که از مسیر حق منحرف شود، راهش باریک و دشوار می‌شود.
- ۱۹ کسی که به قدر و ارزش خودش اکتفا کند، ارزش و مقامش باقی می‌ماند.
- ۲۰ مطمئن‌ترین رشته‌ای که می‌توانی بگیری، رشته بین تو و خداست.
- ۲۱ کسی که به تو توجهی ندارد و به کمکت نمی‌آید، دشمن توست.
- ۲۲ گاهی که هوس «بیشتر داشتن»، هلاکت می‌آورد، ناامیدی و به آرزو نرسیدن، از داشتن و به دست آوردن، بهتر است.
- ۲۳ این طور نیست که هر عیب و اشکالی را واضح و روشن بشود دید و هر فرصتی، دوباره به دست نمی‌آید.

- ۲۴ خیلی وقت‌ها، آدم بینا، راه را اشتباه می‌رود و نابینایی به رشد و به مقصد می‌رسد.
- ۲۵ تا می‌توانی، شررا به تأخیر بینداز که هر موقع بخواهی، می‌توانی به سمت آن بشتابی.
- ۲۶ بریدن از نادان، مثل پیوستن به داناست.
- ۲۷ آدمی که به روزگار اعتماد کند، روزگار به او خیانت می‌کند. و روزگار، پیش چشم هر که عزیز و بزرگ شود، همان روزگار، او را کوچک و خوار می‌کند.
- ۲۸ این طور نیست که هر تیراندازی، به هدف بزند.
- ۲۹ وضع و رأی حاکم جامعه که تغییر می‌کند، اوضاع و روزگار هم به کلی تغییر می‌کند.
- ۳۰ درباره همسفر، پیش از سفر و درباره همسایه، پیش از خرید خانه، پرس و جو کن.
- ۳۱ هریک از زبیردستان را به کار معلومی بگمار و همان را از او بخواه؛ تا امور را به هم واگذار نکنند.
- ۳۲ خویشتان را احترام کن که پروبال تو، هنگام اوج اند،
- ۳۳ وریشه‌های تو اند که روزی به آن برمی‌گردد،
- ۳۴ و هنگام رویارویی، دست توانای تواند.
- ۳۵ دین و دنیایت را به خدا می‌سپارم،



۳۶ و نیکوترین سرنوشت را برای امروز و فردایت و دنیا و آخرت، از او
می‌خواهم.



پی نوشت:

وَاعْلَمَ يَا بَنِيَّ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ
أَتَاكَ (۱) مَا أَفْبَحَ الخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَ الْجُفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى (۲) إِنَّمَا لَكَ
مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ (۳) وَإِنْ كُنْتَ جَازِعًا عَلَى مَا تَفَلَّتَ مِنْ
يَدَيْكَ (۴) فَاجْزَعْ عَلَى كُلِّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ (۵) اسْتَدِلَّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ
بِمَا فَدَّ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ (۶) وَ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا
بَالَعَتْ فِي إِيْلَامِهِ (۷) فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَذَابِ (۸) وَ الْبَهَائِمَ لَا تَتَعَطَّى إِلَّا
بِالضَّرْبِ (۹) اطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بَعْرَائِمِ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ الْبِقِينِ
(۱۰) مَنْ تَرَكَ الْفَصْدَ جَارَ (۱۱) وَ الصَّاحِبُ مُنَاسِبٌ (۱۲) وَ الصَّدِيقُ
مَنْ صَدَّقَ عَيْبَهُ (۱۳) وَ الْهُوَى شَرِيكُ الْعَمَى (۱۴) وَ رَبٌّ بَعِيدٌ أَقْرَبُ
مِنْ قَرِيبٍ (۱۵) وَ قَرِيبٌ أَبْعَدُ مِنْ بَعِيدٍ (۱۶) وَ الْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ
حَبِيبٌ (۱۷) مَنْ تَعَدَّى الْحَقَّ ضَاقَ مَذْهَبُهُ (۱۸) وَ مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى قَدْرِهِ
كَانَ أَبْقَى لَهُ (۱۹) وَ أَوْتُقُ سَبَبٍ أَحَدَتْ بِهِ سَبَبٌ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ
(۲۰) وَ مَنْ لَمْ يُبَالِكْ فَهُوَ عَدُوُّكَ (۲۱) فَدَّ يَكُونُ الْيَأْسُ إِذْرَاكَ إِذَا كَانَ
الطَّمَعُ هَالِكًا (۲۲) لَيْسَ كُلُّ عَوْرَةٍ تَظْهَرُ وَ لَا كُلُّ فُرْصَةٍ تُصَابُ (۲۳) وَ

رُبَّمَا أَخْطَأَ الْبَصِيرُ قَصْدَهُ وَ أَصَابَ الْأَعْمَى رُشْدَهُ (٢٤) أَخْرِ الشَّرَّ فَإِنَّكَ
إِذَا شِئْتَ تَعَجَّلْتُهُ (٢٥) وَ قَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدُلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ (٢٦) مَنْ أَمِنَ
الزَّمَانَ خَانَهُ وَ مَنْ أَعْظَمَهُ أَهَانَهُ (٢٧) لَيْسَ كُلُّ مَنْ رَمَى أَصَابَ (٢٨) إِذَا
تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ (٢٩) سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ
قَبْلَ الدَّارِ (٣٠) وَ اجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ
أَحْرَى أَلَّا يَتَوَاكَلُوا فِي خِدْمَتِكَ (٣١) وَ أَكْرَمُ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ
الَّذِي بِهِ تَطِيرُ (٣٢) وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ (٣٣) وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا
تَصُولُ (٣٤) اسْتَوْدِعِ اللَّهَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ (٣٥) وَ اسْأَلْهُ خَيْرَ الْقَضَاءِ لَكَ
فِي الْعَاجِلَةِ وَ الْأَجَلَةِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (٣٦).



فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه فیض السلام.
۲. نهج البلاغه، ترجمه علی اصغر فقیهی.
۳. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی.
۴. نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی.
۵. نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری.
۶. نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان.
۷. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.



به منظور شرکت در مسابقه کتابخوانی کتاب به فرزندم، از تاریخ حرکت کاروان خود به مدت یک ماه به صفحه شخصی خود در سامانه لیبیک (labbayk.ir) مراجعه نمایید.

پرسش‌های مسابقه کتابخوانی کتاب به فرزندم

۱. کدام گزینه صحیح نیست؟ فرزندان انسان اند .

الف) شکست خورده‌ی شهوت

ب) همدم اندوه

ج) اسیران روزگار

د) معامله‌گران روزگار

۲. امام علی علیه السلام چه چیز را موجب انصراف از فکرها و خواهش‌های داند؟

الف) سختی روزگار

ب) نزدیک شدن مرگ

ج) دل بستن به دنیا

د) زن و بچه

۳. دلیل نامه نوشتن امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام چه بود؟

الف) به خاطر نصیحت کردن

ب) به خاطر پند گرفتن دیگران

ج) چون امیرالمومنین علیه السلام امام حسن علیه السلام را پاره تن خود بلکه خود وجود نازنینشان می دیدند
د) به خاطر فرمان الهی

۴. حضرت چه چیزی را موجب آباد کردن دل بیان فرمودند؟

الف) همیشه و پیایی به خاطر آوردن پرورگار
ب) گناه نکردن
ج) انجام اعمال صالح
د) نماز خواندن

۵. کدامیک از موارد زیر، درست است: دلت را زنده نگه دار با
هوایش را بمیران با روشنائیش ده با حقیرش کن به
توانایش کن با

الف) یادآوری . پارسایی . اندیشه . فکرمگ . باور
ب) پارسایی . اندیشه . یادآوری . باور . فکرمگ
ج : یادآوری . اندیشه . پارسایی . فکرمگ . باور
د) پارسایی . یادآوری . اندیشه . باور . فکرمگ

۶. بنا به فرموده حضرت، چاره‌رهایی از گم شدن در راه چیست و چرا؟

الف) مشورت . چون با مشورت انسان گمراه نمی شود
ب) پا پس کشیدن از همان ابتدا . چون باز ایستادن در ابتدا بهتر است از اینکه حوادث انسان را به هرجا ببرد

ج) تحقیق . چون تمام روزنه های پنهان پیدا می شود

د) هیچکدام

۷. نظر امیرالمومنین علیه السلام در مورد جهاد در راه خدا چیست؟

الف) جهاد افضل اعمال است

ب) جهاد بر مردان واجب است نه زنان

ج) خود را به جهاد عادت ده چون اخلاق خوبی است در مسیر حق

د) آن طور که شاید و باید در راه خدا جهاد کن و نگذار ملامت هیچ ملامتگری

تورا نگه دارد

۸. امام خطاب به فرزندشان می فرمایند: خوشایندترین چیزی که دلم

می خواهد از وصیت من بگیری؟

الف) پروای خداست

ب) تجربه های من است

ج) مراقبت از خویشان است

د) هیچکدام

۹. اگر درک بعضی از سنت های خداوندی برایت مشکل شد؟

الف) به حساب این بگذار که به حکمت های آن نادانی، نه اینکه حکمت ندارند

ب) به حساب این بگذار که حکمت ندارد

ج) به حساب این بگذار که حکمت آن این است که نباید بدانی

د) بدون تحقیق وارد آنها نشو

۱۰. اگر خدا شریک داشت

(الف) جهان به هم می ریخت

(ب) نظم هستی به هم می ریخت و هر خدا دستوری می داد

(ج) رسولان آن شریک سراغت می آمدند و آثار پادشاهی او را می دیدی و از

کارها و اوصافش با خبر می شدی

(د) تو در انتخاب یکی از آنها حیران می ماندی و انتخاب سخت می شد

۱۱. طبق فرموده حضرت، مردمی که دنیا را آزموده و شناخته اند مثل چه

کسانی هستند؟

(الف) مثل مسافرانی هستند که رنج راه و دوری دوست، سختی سفر و غذای

ناگوار را تاب می آورند تا به خانه وسیع و منزل گاه امن برسند

(ب) مثل مسافرانی هستند که از منزل گاهی بی آب و گیاه عزم جایی وسیع

و آباد را کرده اند

(ج) الف و ب

(د) هیچکدام

۱۲. طبق فرموده حضرت، مردمی که دنیا فریبشان داده مثل چه کسانی

هستند؟

(الف) مثل مسافرانی هستند که از جایی وسیع و آباد به منزل گاهی بی آب و

علف که ناخوشایند تر از این کوچ چیزی نیست می روند

(ب) مثل مسافرانی هستند که از بهشت برین به جهنم می روند

ج) مثل مسافرانی هستند که توشه ای ندارند و به جایی وسیع رفتند
د) مثل مسافرانی هستند که از جهنم دنیا به جهنم آخرت می روند

۱۳. از دیدگاه امام علی ضرورت انفاق چیست؟

الف) تا می توانی انفاق کن، البته نه حدی که نیازمند گردی
ب) اگر بین نیازمندان کسی را یافتی که توشه ات را برایت به قیامت ببرد به مقدار نیازت بردار و مقدار کمی را بردوش او بگذار تا فردای محشر در لحظه احتیاج به تو برگرداند
ج) اگر بین نیازمندان کسی را یافتی که توشه ات را برایت تا قیامت ببرد و فردای محشر در لحظه احتیاج به تو برگرداند وجودش را غنیمت شمار و تا می توانی کوله اش را سنگین کن
د) انفاق تو می بایست از حد اعتدال نگذرد و تو را نیازمند دیگران نکند مگر امید داشته باشی بهتر از آن را به دست آوری

۱۴. امام خطاب به فرزندش می فرماید: گردنه و گذرگاهی دشوار پیش رو داری، پس

الف) بعد از این گذرگاه ناگزیری یا در بهشت فرود آیی یا در جهنم، پس پیش از فرود، قاصدی بفرست تا برایت جایی آماده کند
ب) بعد از این گذرگاه، نوبت به حساب و کتاب است و کاری از دستت برنمی آید
ج) قبل از عبور مراقب اعمالت باش و توشه ای بگیر
د) الف و ج

۱۵. گنجینه هایی که هیچ کس جز خداوند نمی تواند آن را به انسان بدهد

چه چیزهایی است؟

الف) طول عمر، پدر و مادر، وسعت روزی

ب) سلامتی بدن، وسعت روزی، محبت اهل بیت علیهم السلام

ج) وسعت روزی، پدر و مادر، محبت اهل بیت علیهم السلام

د) طول عمر، سلامتی بدن، وسعت روزی

۱۶. دلیل تاخیر اجابت دعا از منظر امیرالمومنین علیه السلام چیست؟

الف) خطاهای انسان و عدم اخلاص در دعا

ب) در تاخیرها پاداش دعا کننده و عطایی که به امیدوار می دهند بیشتر می شود

ج) عدم رعایت شرایط دعا

د) الف و ج

۱۷. توصیف امیرالمومنین علیه السلام در مورد مرگ و رابطه انسان با آن چگونه

است؟

الف) انسان به ناچار می میرد ولی باید خودت را آماده کنی

ب) انسان با مرگ رابطه اش قطع ناشدنی است و همه می میرند

ج) انسان چنان فاصله ای با مرگ ندارد و مرگ بی خبر او را فرا می گیرد

د) انسان، شکاری است که از مرگ فرار می کند و فراری از مرگ نجات نمی یابد

بلکه مرگ، شکاری خودش را پیدا می کند و بی برو برگرد او را می گیرد.

۱۸. حضرت امیر علیه السلام انسان را از مرگ در چه حالتی بر حذر می‌دارد؟

الف) از زمانی که انسان گناه می‌کند و با خود می‌گوید که توبه می‌کند و مرگ فرا می‌رسد

ب) از مرگ ناگهانی بر حذر می‌دارد

ج) زمانی که انسان در رفاه است و مرگ فرا می‌رسد

د) زمانی که انسان در فقر است و مرگ فرا می‌رسد

۱۹. امام، مردمی که در پی دنیا هستند را به چه تشبیه می‌کنند؟

الف) به حیوانات موزی که فقط به فکر خوردن و خراب کردن دنیا هستند

ب) به سگ‌های عوعوکن و درندگان شکاری که به هم چنگ و دندان نشان می‌دهند

ج) همچون شیران درنده که نسبت به هم نوع خود بی‌رحمند

د) الف و د

۲۰. از نظر امام، انسان در جمع آوری مال و منال دنیا باید چه ویژگی

داشته باشد؟

الف) بی‌رغبت به دنیا باشد

ب) به اندازه نیاز بردارد و بیش از آن نیاز ندارد

ج) وسعت بخشیدن به مال و منال ستوده است ولی دل بستن ستوده نیست

د) آرام و بی‌حرص و هنگام خرج کردن سنجیده و زیبا عمل کردن

۲۱. انسان پر حرف می شود و آنکه می اندیشد
می یابد.

الف) ساقط - طول عمر

ب) نادان - رهایی

ج) هرزه گو - بینایی

د) متضرر - رهایی

۲۲. زشت ترین ظلم است

الف) ظلم به ناتوان

ب) ظلم به خود

ج) ظلم به دیگران

د) پدر و مادر

۲۳. آرزو را حضرت به چه چیزی تشبیه می کند؟

الف) سراب

ب) ظرف خالی

ج) الف و ب

د) سرمایه آدم های احمق

۲۴. توصیه حضرت نسبت به دوست چیست؟

الف) اگر تندی کرد نرم باش و اگر رو گرداند تو هم رو گردان

ب) اگر از تو برید وصل باش و اگر از تو رو گرداند رو کن

ج) اگر با تو بخیل بود تو هم بخیل باش و اگر دور شد نزدیک برو
د) الف و ب

۲۵. اگر کسی به تو خوش بین بود

الف) کاری کن تا واقعا خیالش درست از کار درآید
ب) تو هم خوش بین باش
ج) خیانت نکن
د) با او دوست باش

۲۶. نسبت به فامیل و خانواده ات

الف) همچون دیگران باش
ب) کمتر از دیگران توجه کن
ج) همچون دیگران نباش
د) کمتر از دیگران توجه نکن

۲۷. راه رهایی از اندوه به نظر حضرت چیست؟

الف) شکایا باش
ب) با شکیبایی جدی و زیبایی یقین امواج اندوه را از خود دور کن
ج) بی خیالی نسبت به دنیا
د) هیچکدام

۲۸. به نظر حضرت غریب چه کسی است؟

الف) کسی که دوستی ندارد

ب) کسی که فرزند ندارد

ج) کسی که فامیل ندارد

د) الف و ب

۲۹. نظر حضرت در مورد همسفر و همسایه چیست؟

الف) همسفر خوب همسایه خوبی است

ب) همسایه خوب همسفر خوبی است

ج) پیش از سفر و پیش از خرید خانه در مورد همسفر و همسایه پرس و جو کن

د) دوست را در سفر و دشمن را در همسایه بشناس

۳۰. کدام یک از گزینه های زیر ترجمه فراز «وَدَعِ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ وَ

الْخِطَابَ فِيمَا لَمْ تُكَلِّفْ» می باشد؟

الف) درباره آنچه نمی دانی تحقیق کن و آنجا که برعهده تو نیست ساکت باش

ب) درباره آنچه نمی دانی گفت وگو نکن و آنجا که لازم نیست حرفی بزنی، نزن

ج) درباره آنچه می دانی گفت وگو کن و آنجا که لازم است حرف بزنی، بزن

د) درباره آنچه می دانی نیز تحقیق کن و آنجا که برعهده تو نیست نیز ساکت

باش